

شبیه سازی انسان از منظر فقه و حقوق اسلامی

مهران خوش سلوک

دکتری حقوق، مدرس دانشگاه، وکیل پایه یک دادگستری

dr.khoshsolook@gmail.com

چکیده

شارع مقدس برای تمامی موضوعات، تشریح حکم نموده و هیچ موضوعی از منظر شرعی، بدون حکم نیست. از دیدگاه فقهی، احکام یا در قالب «احکام واقعی» تشریح شده‌اند که از طریق کتاب یا سنت به مکلفین ابلاغ شده است که به آن «حکم واقعی اولی» اطلاق می‌شود. احکام واقعی اولی، حجیت داشته و علم و یقین غایی برای مکلف حاصل می‌نمایند. در صورتی که مکلف به وسیله‌ای غیر از یقین به حکم در خصوص موضوعی دست یافته باشد، از طریق «حکم ظاهری» یا «حکم واقعی ثانوی» به حکم دست یافته است، زیرا تمامی موضوعات در نزد شارع دارای حکم بوده لیکن حکم برخی از موضوعات برای مکلف مستور مانده است. «شبیه سازی انسان» نیز در نزد شارع مقدس دارای حکم واقعی بوده اما این حکم بر مکلفین ابلاغ نشده و بر آنان پوشیده است و این در حالی است که عصر کنونی با موضوع شبیه سازی انسان بیش از همه اعصار گذشته درگیر شده و با وصف پیشرفت علوم پزشکی و امکان شبیه سازی انسان، نمی‌توان از احکام مربوط به آن چشم پوشی کرد و به ناچار باید از طریق «حکم ظاهری» یا «حکم واقعی ثانوی» به حکم شبیه سازی انسان و حتی احکام مربوط به انسان شبیه سازی شده دست یافت و بی‌توجهی به این موضوع مانع از توقف علم پزشکی نبوده و کشورهای جهان را از این موضوع منع نمی‌کند.

واژگان کلیدی: شبیه سازی انسان، حرمت، اباحه، حکم واقعی اولی، حکم واقعی ثانوی.

1. مقدمه

حکمت شارع مقدس در آن است که هیچ موضوعی را بدون حکم نگذارده و حکم تمامی موضوعات را از قبل تعیین نموده است. این امر از باب قاعده لطف شارع بوده و لطف و حکمت شارع ایجاب می‌نماید که هر موضوعی دارای حکم خاص خود باشد. برخی از این احکام برای مکلفین روشن نبوده و نسبت به بسیاری از این احکام، مکلفین علمی ندارند. این موضوع نه از آن جهت است که حکمی وجود ندارد، بلکه به دلیل آن است که مکلف از حکم شارع، بی‌اطلاع بوده و یا حتی از درک یا فهم بعضی از احکام عاجز است و به عبارت دیگر نمی‌تواند بر تمامی احکام واقعی علم و یقین داشته باشد. با وصف این مراتب، هر موضوعی دارای «حکم واقعی» بوده که شارع مقدس آن را تشریح نموده است؛ لیکن اگر مکلف نسبت به حکم واقعی علم و یقین نداشته و جاهل به آن باشد، جاهل به حکم و عمل نکردن به تکلیف به واسطه این جهل، از علل موجهه نبوده بلکه مکلف را مجاب می‌نماید که به حکم مربوطه دست یابد، حال ممکن است از روی علم و قطع به حکم برسد و یا بوسیله‌ای غیر از یقین و قطع به حکم دست یابد. لذا چنانچه مکلف به وسیله‌ای - غیر از علم و یقین - به حکم برسد، این حکم نیز یک حکم شرعی بوده که به آن «حکم ظاهری» یا «حکم واقعی ثانوی» می‌گویند.

با توجه به این که «شبهه سازی انسان» در زمره احکام جدیدی است که مکلفین مبتلا به آن شده اند؛ بر اساس قاعده حکمت و قاعده لطف شارع، باید بپذیریم که شبهه سازی انسان در نزد شارع دارای حکم واقعی می‌باشد، ولیکن در شرایط کنونی این حکم برای مکلفین مستور بوده و شاید دست یازیدن به حکم واقعی آن در زمان‌های آتی و یا حتی در زمان ظهور حضرت ولی عصر(عج) امکانپذیر باشد ولی به این دلیل نمی‌توان حکم این موضوع بسیار مهم را که جوامع کنونی به آن دچار شده‌اند را مسکوت گذاشت و لاجرم باید از طریقی دیگر که همان «حکم ظاهری یا حکم واقعی ثانوی» است به حکم شبهه سازی انسان دسترسی پیدا نمود چرا که با شبهه سازی انسان، از یک سو شبهه حکمیه نسبت به عمل شبهه سازی وجود خواهد داشت و از سوی دیگر، انسان شبهه سازی شده نیز به نوبه خود دارای احکام خاصی در امور شخصیه می‌باشد که نمی‌توان از آن غافل شد.

روش تحقیق:

این مقاله پژوهشی که با روش توصیفی- تحلیلی به موضوع نگریسته است؛ ضمن بیان مراتب در شبهه سازی انسان، در چگونگی احکام و موضوعات مختلف آن از قبیل محاسن و معایب ورود نموده و با تحلیل موضوعات، احکامی در هر مساله بیان می‌شود.

2. کلیات و تعاریف:

پیش تر بیان شد که برای هر موضوعی، از سوی شارع متعال، حکمی تعیین شده است. در حقیقت با دو واژه و لفظ مهم برخورد می‌نماییم که عبارتند از: «1- موضوع و 2- حکم». با این فرض برخی اوقات شک و شبهه بر این دو واژه مهم وارد شده و ورود شبهات بر این دو را با مفاهیم و عبارات «شبهات موضوعیه» و «شبهات حکمیه» بیان می‌نماییم

الف) شبهات موضوعیه و حکمیه

چنانچه شک و شبهه بر موضوعی وارد شود در حالیکه علم به حکم آن داریم، شبهه موضوعیه حادث می‌گردد. به طور مثال اگر بطری یا لیوان پر از نوشیدنی را مشاهده نمایید چنانچه نمی‌دانید محتوای آن آب است یا شراب، در اینجا شبهه موضوعیه ایجاد شده است و این در حالی است که می‌دانید چنانچه مایع مذکور شراب(نوشیدنی الکلی مسکر) باشد حکم آن حد شرعی به میزان

80 ضربه تازیانه خواهد بود. در این بحث، منشأ شک، جهل و تردید در امور جزئی خارجی بوده با وصف این که حکم کلی شارع بر شما معلوم است.

حال اگر حکم کلی موضوعی مردد و مورد تردید باشد، شبهه حکمیه ایجاد می‌گردد. شبهات حکمیه ممکن است بواسطه عدم اقامه دلیل و یا مجمل‌گویی شارع حادث شده باشد و یا وجود دو دلیل متعارض، مکلف را دچار شبهه نماید. در موضوع شبیه سازی انسان، حکم مربوطه مورد تردید است بدین معنا که بطور یقین در وجوب آن حکمی صادر نشده زیرا از موضوعاتی نبوده که بدلیل نیاز انسان در زمان تشریح احکام، شارع به آن پرداخته باشد؛ از سوی دیگر نصی هم در خصوص حرمت آن وجود نداشته و بدلیل فقدان نص در خصوص حرمت آن انجام عمل شبیه سازی در مجرای اصل براءت قرار می‌گیرد. با بیانی ساده‌تر، چنانچه عمل شبیه سازی انسان دارای حکم واقعی حرمت باشد بدلیل آنکه این حکم بر مکلفین ابلاغ نگردیده است و مکلفین آگاهی به آن حکم ندارند در صورتی که مرتکب آن گردند، دچار مجازات و عذاب نخواهند شد زیرا، قاعده فقهی «قبح عقاب بلا بیان» در خصوص شبهات حکمیه مدخلیت داشته و مجازات نمودن مکلف در جایی که علم به حرمت عمل نداشته و حکم حرمت بر وی ابلاغ نشده باشد را عملی قبیح و ناپسند می‌داند.

حال از نقطه مقابل به شبیه سازی انسان بنگریم و با دیدگاه قائلین «اصل احتیاط» موضوع را بررسی نماییم.

به عقیده قائلین به «اصل احتیاط» از آنجایی که حکم بر وجوب و یا جواز عمل شبیه سازی انسان وارد نشده، در اجرای آن بهتر است جانب احتیاط در نظر گرفته شود و با استناد به اصل یاد شده «ترک عمل و رعایت احتیاط» واجب است. اما این نظر، خالی از عیب نیست. در عصر کنونی و با پیشرفت روزافزون علم، به خصوص علوم پزشکی، لازم است تا فقه نیز پویایی خود را به منصفه ظهور رسانده و احکام شرعی فرعی برای موضوعات جدید که مکلفین مبتلا به آن می‌گردند صادر نماید و چنانچه فقه، پویایی نداشته باشد و نسبت به موضوعات شبهات حکمیه جدید، سکوت نموده و یا با مخالفت نمودن با آن، بین فقه و پیشرفت علم اصطکاک ایجاد نماید:

اول آنکه علم فقه هیچگاه نخواهند توانست با پیشرفت علوم، خود را هماهنگ سازد.

دوم آنکه توقف فقه در این‌گونه موضوعات، موجب توقف سایر علوم و نیز توقف پیشرفت‌های علمی و پزشکی نخواهد شد. به عبارتی دیگر سایر علوم از پا نخواهند نشست و به پیشرفت خود ادامه می‌دهند.

سوم آنکه بین علوم روز و علم فقه شکاف و جدایی ایجاد شده و مکلفین در دستیابی به احکام شرعی حیران خواهند ماند.

چهارم آنکه از محاسن ژنتیکی و نیز محاسن شبیه سازی انسان نیز نباید غافل شد.

با اوصاف یاد شده معقول به نظر نمی‌رسد که علم فقه، پویایی خود را از دست داده و با ممنوعیت شبیه سازی انسان - که نصی در خصوص حرمت آن وجود ندارد- حکم بر ترک آن صادر نماید، زیرا با وصف صدور حکم، باز هم مجامع علمی و پزشکی جهان از آن غافل نشده و صدور حکم حرمت یا ترک آن بنا بر اصل احتیاط، نتیجه‌ای به جز عقب ماندگی علمی برای ما به ارمغان نخواهد داشت.

مطالب فوق مجرای جدید فقهی در این بحث بر ما خواهد گشود که همانا توجه خاص به «اصل اباحه» می‌باشد. مستند به این اصل، چنانچه حرمت و منع شرعی در انجام عملی وجود نداشته باشد عمل به آن فعل، طبق این اصل، جایز و مباح خواهد بود. لذا همانند سازی و شبیه سازی با استناد به «اصل اباحه» جایز و مباح بوده در نتیجه لازم است احکام مرتبط با آن از قبیل «احکام مربوط به نسب، ابوت و بنوت، نفقه، ارث و...» از طریق اجتهاد بر مکلفین عرضه شده تا آنان نیز از سردرگمی در خصوص این احکام خارج گردند.

3

3. فقه و شبیه سازی انسان

از آنجایی که شبیه سازی انسان با دو هدف ذیل صورت می‌پذیرد، هریک از این هدف‌ها دارای احکام فقهی جداگانه و حتی متفاوت با یکدیگر خواهند بود.

هدف اول: ایجاد اندام‌های مختلف بدن انسان (شبیه سازی درمانی):

در این شیوه از شبیه سازی، هر سلول به طور بالقوه، توان تبدیل به همه سلول‌های اعضا را دارد، پس می‌توان در آزمایشگاه، رشد را متوقف کرد و فقط به یک سلول خاص مثلاً قلب، عصب یا کلیه و ... اجازه رشد داد. سلول‌های بنیادی که توان تبدیل شدن به اعضای مختلف را دارند، در آزمایشگاه، برای تولید یک عضو خاص استفاده می‌شوند. در شبیه سازی درمانی اختلاف نظر وجود ندارد و حتی به دلیل کارایی پزشکی و فواید مهم آن در درمان بیماری‌های مزمن از آن استقبال نیز شده است.

در این شیوه از شبیه سازی، بحث مرگ انسان شبیه سازی شده نیز مطرح نبوده در نتیجه به دلیل مصالحی که برای جامعه بشری دارد مورد استقبال واقع گردیده تا بروز بیماری‌های عضوی و ژنتیکی در اعضای افراد منتفی گردد. از آنجایی که مفسده ای در این گونه از شبیه سازی مشاهده نشده است، لذا اصل اباحه بر این شیوه از شبیه سازی جاری و ساری بوده و جواز انجام این شیوه بطور مطلق صادر گردیده و میان فقها اختلاف نظری در خصوص جواز مطلق آن وجود ندارد. این جواز در شبیه سازی گیاهان و نباتات نیز وجود داشته و هیچگونه حکم حرمت یا منعی در این خصوص صادر نشده است.

هدف دوم: ایجاد انسان کامل:

در احکام اولیه، مصلحت و مفسده هر عمل توسط شارع بیان شده و بر اساس آن حکم مربوطه صادر گردیده است. به عنوان مثال در آیه شریفه «أَحْلَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره، 275) شارع مقدس به دلیل مصلحت‌هایی که بیع و خرید و فروش در بازار مسلمانان داشته و موجب شکوفایی اقتصاد اسلامی و کسب روزی توسط خریداران و فروشندگان می‌شود، آن را حلال و جایز شمرده و در ادامه همان آیه شریفه، با توجه به مفسده‌هایی که در رباخواری وجود داشته و آثار سوء و ناخوشایندی را که در اقتصاد جامعه و اقتصاد خانواده‌ها از خود بر جای می‌گذارد، حکم حرمت آن را در آیه شریفه «و حَرَّمَ الرِّبَا» تشریح نموده است.

در احکام ثانویه و احکام شرعی فرعی نیز مجتهد ضمن بررسی مصلحت‌ها و مفسده‌ها، از طریق اجتهاد، حکم جواز یا منع صادر نموده تا تکلیف مکلفین معین شود. در این روش از شبیه سازی (ایجاد انسان کامل) نیز لازم است تعیین گردد که کفه ترازو در سمت مصلحت سنگین‌تر است یا در سوی مفسده؟ شاهین ترازو، سنگینی هر سو را که نشان دهد مجتهد نیز به همان موضوع حکم خواهد نمود.

4. محاسن شبیه سازی (همانند سازی) انسان:

ذکر محاسن همانند سازی، بحثی پزشکی بوده که بهتر است توسط متخصصین و علمای علم پزشکی به آن پرداخته شود؛ ولیکن آنچه در ذیل ذکر می‌گردد به نظر نگارنده می‌تواند دلیل و ادله کافی برای صدور جواز شرعی همانند سازی بوده تا با کشف و بهره‌گیری از قدرتی که خداوند لایزال در اختیار انسان قرار داده است بتوان در اصلاح و نجات نسل بشر و سایر مخلوقات تلاش نمود.

از جمله محاسن همانند سازی (شبهه سازی) می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

*از بین بردن مشکلات مربوط به ناباروری و نازایی زوجین:

برای بسیاری از زوجین که بطور مشروع و قانونی، علقه زوجیت بین آنان ایجاد شده است، تولید مثل و به دنیا آوردن فرزند از مهم ترین و شاید اساسی ترین اهداف بوده و ثمره زندگی مشترک خود را در فرزندان تولد یافته می جویند و در نقطه مقابل، زوجینی که به دلیل ناباروری هر یک از زن یا شوهر توفیقی در تولد فرزند نمی یابند، گویی با خطر انقراض نسل مواجه شده و دنیا را پایان یافته فرض می کنند و به همین دلیل با عدم رغبت و میل باطنی اقدام به فروپاشی کانون خانواده نموده و با تقدیم دادخواست طلاق به زندگی مشترک خود پایان می دهند. بند 13 ماده 8 قانون حمایت از خانواده مصوب 1353/11/15 نیز به جواز این موضوع اشاره نموده است.

با این شرایط که وضعیت عسر و حرج ایجاد می نماید؛ زن یا شوهر می تواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش نماید و این بدان معناست که ناباروری هر یک از زوجین یکی از علل شایع فروپاشی کانون خانواده به شمار می رود. تبصره ذیل ماده 1130 قانون مدنی نیز ناظر به عسر و حرج زوجه بوده و ذیل همان تبصره، شرایط عسر و حرج زوجه در این خصوص به تشخیص دادگاه را مجاز دانسته است.

5

همچنین بند 8 ماده 16 از همان قانون، «در صورت عقیم بودن زن، مرد را مجاز دانسته که با حکم دادگاه و بدون رضایت همسر اول، همسر دوم انتخاب کند» این بند نیز به صلاح و مصلحت کانون خانواده نبوده و نیست و با فرض شبهه سازی انسان و از بین بردن مشکلات مربوط به ناباروری چه بسیار خانواده هایی که از خطر فروپاشی کانون خانواده در امان خواهد ماند.

*جلوگیری از تولد کودکان بیمار:

یکی دیگر از مشکلاتی که جوامع کنونی با آن دست به گریبان است، تولد کودکان بیمار جسمی و یا دارای اختلالات ژنتیکی می باشد. با توجه به ممنوعیت سقط جنین در اسلام و کشورهای اسلامی و همچنین وجود قانون ممنوعیت سقط جنین در بسیاری از کشورهای غیراسلامی، از تولد این گونه از نوزادان، قانوناً نمی توان ممانعت به عمل آورد، به خصوص زمانی که روح در کالبد جنین دمیده شده باشد که در آن صورت سقط قانونی جنین هم بسیار دشوار و در اکثریت قریب به اتفاق موارد غیرممکن بوده و حتی در فقه جزایی از سقط نطفه تا سقط جنینی که روح در آن دمیده شده است دیات مختلفی تشریح گردیده که انواع دیات را در ماده 716 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 ملاحظه می نمایید.

صرفنظر از سقط جنین هایی که به واسطه زنا و نزدیکی نامشروع انجام می گیرد، درصد بالایی از سقط جنین ها به دلیل اختلالات جسمی و فیزیکی نوزادان می باشد که با انجام شبهه سازی و جلوگیری و احتراز از این دسته از اختلالات و بیماری ها، بخشی از قانون جزایی هم بلااستفاده خواهد شد و جواز همانند سازی می تواند به نوعی عامل پیشگیری از وقوع جرم سقط جنین گردد، زیرا در این جرم از مادر جنین گرفته تا پزشک و ماما و ادویه و دارو فروش در مظان اتهام مباشرت، تسبیب، معاونت و مشارکت در جرم بوده و برای هر یک مجازات خاصی در نظر گرفته شده است. بدین منظور موادی از قانون مجازات اسلامی را که بر گرفته از فقه جزایی و شریعت مبین اسلام می باشد را ذکر می نماییم:

ماده 718 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392: «هرگاه زنی جنین خود را، در هر مرحله ای که باشد، به عمد، شبه عمد یا خطاء از بین ببرد، دیه جنین، حسب مورد توسط مرتکب یا عاقله او پرداخت می شود».

ماده 622 قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال 1375: «هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد» طبق تبصره ماده 104 مصوب 1399 مجازات به نصف تقلیل یافته است. «شش ماه تا هجده ماه».

ماده 623 همان قانون: «هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات داده خواهد شد».

ماده 624 همان قانون: «اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به سقط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت». مکرراً بیان می گردد چنانچه بتوان از طریق شبیه سازی، برخی جرایم را عقیم نمود و یا تعداد مجرمین را در جامعه کاهش داد، توفیق بزرگی حاصل شده و چه مصلحتی از این امر بالاتر است؟

* باز آفرینی نوابغ و افراد خاص:

6

این مهم که هر جامعه و به خصوص جوامع اسلامی نیاز به انسان‌های نابغه و افراد خاص داشته و دارد بر کسی پوشیده نیست. این نیاز صرف جوامع اسلامی نبوده و هر جامعه‌ای نیاز به آن را احساس می نماید. حال اگر بتوان از طریق همانند و شبیه سازی، خلقت این افراد را سهل نمود، نه تنها دخالت در آفرینش الهی نیست، بلکه به نوعی بهره‌گیری از قدرتی الهی است که در اختیار انسان‌ها گذارده شده است، مگر نه این که خداوند باری تعالی، انسان را اشرف مخلوقات معرفی نموده است؟

خداوند متعال از باب لطف الهی، قدرت خود را در ذات و وجود انسان دمیده و این وظیفه انسان است که بتواند این قدرت‌های نهفته را از بالقوه بودن به فعلیت مبدل سازد در نهایت به تمامی قدرت‌هایی که انسان موفق به کشف و بهره‌گیری از آن شده توجه نماید؛ آدمی، این اشرف مخلوقات الهی، فقط مجرای کشف و بروز قدرت‌های الهی را فراهم می‌سازد و در لحظه نهایی هر امری، این قدرت لایزال الهی است که نتیجه‌گیری در امور را ممکن می‌سازد و بدون حکمت و قدرت او، حتی برگی از شاخه درختی جدا نشده و به زمین نخواهد رسید.

این که انسان بتواند موجودی همانند خود را از راهی غیر از طریق تناسل و زناشویی ایجاد نماید نیز کشف دیگری از قدرت الهی است. در همانند سازی، «انسان، خالق نیست»، بلکه فراهم کننده شرایط قابلیت یک ماده برای حیات و زندگی است. لذا فراهم آوردن شرایط حیات انسان‌های نابغه و خاص، نه تنها مفسده‌ای برای جوامع ندارد؛ بلکه به نوعی مصلحت خواهی برای جوامع نیز محسوب می‌گردد.

* تنظیم جنس کودکان و انسان‌ها در آینده:

قدرت دیگری از الطاف الهی که توسط انسان کشف شده و مورد بهره برداری قرار می‌گیرد، ایجاد شرایط خاص جهت تولد فرزند با جنسیت دلخواه والدین می‌باشد. این قدرت سال‌هاست که توسط انسان کشف شده که با رعایت رژیم خاص تغذیه ای و... بتواند جنسیت فرزند خود را تعیین نماید. تأکید این نکته خالی از لطف نیست که باز هم در نهایت، قدرت و مشیت الهی است که تلاش زوجین در تعیین جنسیت فرزند را به ثمر خواهند نشاند. به یاد داشته باشیم که شارع مقدس در آیات شریفه 63 و 64

سوره مبارکه واقعه می‌فرماید: «أَفَرَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ؕ أَنْتُمْ تُزْعِرُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ: آیا ندید تخمی را که در زمین کاشتید، آیا شما(از خاک) آن تخم را رویانیدید یا ما رویانیدیم؟» در هر شرایطی و در هر عصری و تحت هر کشف و پیشرفت علمی، باز هم علت تامه، اراده خداوند است و بی اراده آن ذات واجب‌الوجود، هیچ پیشرفتی به نتیجه نخواهد رسید.

*تامین عضو پیوندی و رفع معضلات مربوط به اعضای پیوندی؛ تکثیر سلول‌های جدید و جایگزین کردن آنها با سلول‌های آسیب دیده و تولید سلول‌های بنیادین:

در بسیاری از بیماری‌های صعب‌العلاج و لاعلاج، به دلیل عدم وجود درمان و یا عدم کشف راه‌های درمانی، چه بسیار انسان‌هایی که جان خود را از دست داده و در سنین مختلف از دنیا رفته و به دیار باقی شتافتند. افراد بی‌شماری نیز بدلیل سوانح مختلف تصادفات رانندگی و سایر علل و بیماری‌ها نیاز به اندام‌های مختلفی از قبیل: «قلب، کلیه، کبد و...» داشته‌اند که به دلیل عدم تأمین اعضای مذکور جهت پیوند، از حیات ساقط و یا حتی دچار معلولیت‌های دائمی شده‌اند.

با بهره‌گیری از همانند سازی به راحتی می‌توان از این‌گونه معضلات و مرگ‌ها خلاصی یافت و عامل مرگ این گروه از انسان‌ها را تغییر داد. زنده و احیاء نمودن انسان‌ها دخالت در مشیت الهی نیست، بلکه اجرای فرمان خداوند خواهد بود، زیرا حضرت باریتعالی فرموده‌اند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده، 32) در نص مذکور، خداوند رحمان به صراحت فرموده‌اند که اگر انسانی زنده گردد، همانند آن است که همه مردم جهان زنده شده‌اند و این فرموده می‌تواند با بحث پزشکی کلونینگ(شبهه سازی)(cloning) جامه عمل پوشیده و مصلحت در این بخش، اکبر و اعظم از مفسده‌های متصور بحث شبهه سازی گردد و به نظر نمی‌رسد بتوان مفسده‌ای یافت که این آیه شریفه را رد و بی اثر نماید، چه آنکه تنها آیات قرآن قدرت نسخ و یا بی اثر سازی آیات الهی را داشته و فتاوی مجتهدین توان نسخ آیات قرآن را ندارد. اما نکته‌ای در بحث شبهه سازی انسان جهت پیوند اعضا یا سایر علل مطروحه از دیدگاه فقهی نیاز به تفحص و بررسی دارد آن است که: «اگر با همانند سازی، انسانی متولد گردد و سپس اعضای آن جهت پیوند از وی جدا شود و انسان شبهه سازی شده بمیرد، چه حکمی خواهد داشت؟»

مبحث شبهه سازی(کلونینگ) خود به این سؤال پاسخ داده است؛ همانگونه که پیش‌تر هم بیان شد، یکی از شیوه‌های کلونینگ، «شبهه سازی درمانی» است، بدان معنا که در آزمایشگاه رشد عمومی سلول‌ها را متوقف و فقط به یک یا چند سلول خاص می‌توان اجازه رشد داد و بی آنکه انسان کاملی تولد یابد، اعضای چون قلب، ریه، کلیه، و... تولید خواهند شد و فقهای شیعه در خصوص این نوع از شبهه سازی نه تنها مخالفتی نداشته و ندارند، بلکه جواز مطلق را برای آن نظر گرفته‌اند ولیکن اگر «شبهه سازی درمانی» اجرا نگردد و سپس از اعضای بدن وی استفاده شده و موجبات مرگ وی فراهم شود، بی شک از مصادیق قتل عمد محسوب شده و مصادیق آیه شریفه «من قتل نفسا بغير نفس...» بوده و بر اساس شرع مبین اسلام، برای این قتل، قصاص نفس در نظر گرفته شده و قانون مجازات اسلامی کشورمان نیز در ماده 290 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392، تعدی بودن جنایت را احراز نموده و مستند به مواد 301 و 304 همان قانون، قصاص را ثابت دانسته و توجهاً به ماده 381 قانون یاد شده، مجازات قتل عمدی را با وجود شرایط مقرر در قانون، «قصاص نفس» تعیین نموده است. ایجاد انسان کامل در بحث کلونینگ و سپس استفاده از اعضای بدن او و جداسازی آنها بطور عمدی از اندام وی، بطور یقین موجبات قصاص را فراهم آورده و شکی نیست که چنانچه به این بحث ورود نماییم، حکم فقهی آن «حرمت مطلق» بوده و بواسطه نص و تصریح قرآن کریم، قابل تغییر نخواهد بود. ذکر این نکته نیز ضروری است که فقه جزایی نه تنها برای مباشر این قتل مجازات تعیین نموده، بلکه معاون در قتل نیز مجرم محسوب شده و مجازات می‌گردد، حتی اگر شاکی خصوصی هم در قتل وجود نداشته باشد یا از قصاص گذشت نماید، در صورتی که اقدام جانی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شود، قانونگذار مستند به ماده 612 قانون تعزیرات و مجازات‌های

بازدارنده مصوب 1375 و تبصره ذیل آن، از باب جنبه عمومی جرم، برای مرتکب قتل عمدی و معاون جرم قتل عمد، مجازات حبس تعیین نموده است.¹

5. معایب شبیه سازی از دیدگاه فقها:

ایراداتی که در بحث شبیه سازی انسان وارد شده است، بعضاً قابل پذیرش و در زمره معقولات قرار دارد ولی این بدان معنا نیست که نتوان ایرادات مذکور را پاسخ گفت و یا برای آن راه حل و چاره‌ای اندیشید. برخی از این ایرادات بطورماهوی، بحث شبیه سازی انسان را مورد هدف و هجمه قرار داده و برخی دیگر از این ایرادات، مشکلات فقهی و حقوقی فرض شده در شبیه سازی را مد نظر قرار داده است که سعی می‌شود در حد حوصله به آن پرداخته شود.

*علمای اهل تسنن و سایر ادیان:

آنچه از نظرات و فتاوی علمای اهل تسنن به دست آمده، مخالفت صریح ایشان با شبیه سازی انسان بوده و حکم فقهی آن را نیز «حرمت مطلق» در نظر گرفته اند. برخی از این علما، شبیه سازی را در زمره جرم «افساد فی الارض» قرار داده و آن را بزرگ‌ترین فساد در زمین عنوان نموده‌اند از جمله این علما می‌توان به «ابن عثمان، عضو هیأت علمای مسعودی» اشاره کرد. ایشان بیان می‌دارند: «کمترین مجازات مبتکران بدل‌سازی با کلون کردن، بریدن دستان و پاهای آنان می‌باشد (مجازات مفسد فی الارض)؛ زیرا این کار بزرگ‌ترین فساد در زمین است.» (پورقهرمانی، 37)

8

مجمع اسلامی الازهر که بالاترین مرجع دینی اهل تسنن به شمار می‌رود شبیه سازی انسان را حرام اعلام کرده و یادآور شده است که به هر وسیله‌ای شده، باید جلوی آن را گرفت و در آخر نتیجه می‌گیرد که عملیات شبیه سازی انسان از لحاظ شرعی مثل این است که کسی شراب بسازد و یا قانون علمی برای یک نتیجه مفسده استفاده کند. (پورقهرمانی، 37) یوسف القرضاوی، مفتی مصر و مقیم قطر، به شدت شبیه سازی را محکوم و آن را مغایر با اختلاف و تنوع در خلقت همچین قانون ازدواج دانسته است (قرضاوی و سعیدانی، 23). اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی با صدور بیانیه‌ای مخالفت صریح خود را با پروژه شبیه سازی اعلام کردند. «مجمع بررسی‌های اسلامی» کسانی را که تکنولوژی شبیه سازی را بر روی انسان انجام می‌دهند، محارب دانست (خرمی، 51).

مخالفتین شبیه سازی را فقط در علمای اهل تسنن جستجو نکنید، برخی از علمای مسیحی نیز شبیه سازی را دخالت انسان در کار خدا دانسته و با آن به مقابله و مخالفت پرداخته اند. (خرمی، 51) دامنه این مخالفت به واتیکان نیز سرایت نموده و تولید اولین نوزاد شبیه سازی شده را بیانگر نوعی باور وحشیانه دانست که فاقد اصول اخلاقی و انسانی بوده و شبیه سازی را نتیجه یک ذهنیت کلیسای کاتولیک روم و زندگی را هدیه‌ای خدادادی؛ نه یک تولید صنعتی دانسته و شبیه سازی را مداخله در کار خدا تلقی می‌کند.

در میان کشورهای اروپایی آلمان و فرانسه بیشترین تلاش را در خصوص ممانعت از کلونینگ اتخاذ کرده و حتی دولت آلمان اعلام نموده است که آزمایش کلونینگ جنین انسان در آلمان، جرم علیه دولت و در نتیجه بر علیه جامعه محسوب شده و برای عاملین و انجام دهندگان آن تا پنج سال محکومیت زندان را در پی خواهد داشت.

¹ مجازات مرتکب قتل عمد از باب جنبه عمومی جرم، سه تا ده سال حبس و مجازات معاون جرم، یک تا پنج سال حبس تعیین شده است.

کشورهای دیگر در جهان نیز مخالفت خود در زمینه کلونینگ را بیان نموده اند که از جمله آنها می توان: «ژاپن، چین، سنگاپور، هند، آرژانتین، برزیل و انگلستان» را نام برد. در نوامبر سال 2001 میلادی، 24 کشور شبیه سازی کودکان را ممنوع اعلام نموده و در اوت سال 2002 میلادی نیز آلمان و فرانسه از دبیر کل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، دعوت نمودند که پیش نویس ممنوعیت شبیه سازی انسانی را برای اجرا به کلیه کشورهای عضو سازمان ملل ابلاغ نماید (خرمی، 51).

*علمای و فقهای شیعه:

فقهای شیعه موضع مختلفی پیرامون کلونینگ و شبیه سازی انسان اتخاذ نموده اند که اگر بی تعصب و با دید واقع گرایانه به موضوع نظر افکنیم، پویایی فقه تشیع را به وضوح مشاهده خواهیم کرد. در حقیقت فقه شیعه نه تنها همگام و هم سو با پیشرفت سایر علوم در جریان است؛ بلکه مکلفین خود را دچار حیرانی و سرگردانی در حکم شرعی نمی نماید.

علمای شیعه شبیه سازی گیاهان و حیوانات را بالاتفاق جایز دانسته اما در خصوص شبیه سازی انسان نظرات مختلفی داشته و دارند که می توان نظرات ایشان را در بندهای ذیل عنوان نمود:

گروه اول از علمای شیعه حکم شبیه سازی انسان را، حرمت مطلق دانسته و شاید با استنادات علمای اهل تسنن در این خصوص هم عقیده بوده و دلایل خود را با دلایل آنان یکی می دانند.

گروه دوم از علمای شیعه حکم اولیه شبیه سازی انسان را اباحه دانسته و بر این نظرند که شبیه سازی انسان فی حدنفسه و به عنوان اولیه خود اشکالی ندارد و با استناد به «اصالة اباحه» جایز است؛ لیکن انجام آن به مفسدی اجتناب ناپذیر خواهد انجامید. از این رو، برای پیشگیری از این مفسد، شبیه سازی انسانی به عنوان ثانوی حرام به شمار می رود.

مراجع عظام آقایان: «سید کاظم حائری، سید صادق شیرازی و ناصر مکارم شیرازی» از حامیان این نظریه می باشند.

عالم گراندرد، جواد تبریزی، در استفتای شماره 1092 به تاریخ 27 صفر 1419 هجری قمری، بیان داشته اند: «اگر شبیه سازی به اختلال در نظام اجتماعی مانند عدم تشخیص ستمگر از ستمدیده و محرم از نامحرم و وارث از غیروارث و غیر آن بینجامد، شبیه سازی حرام می گردد و این است معنای در معرض تهدید قرار گرفتن حقوق انسان یا زیان دیدن مصالح فرد و جامعه. اما شبیه سازی به شکلی نادر که به مفسدی از این قبیل نینجامد، حرام نیست و توجیهی برای منع آن وجود ندارد».

حتی مرجع عظام، یوسف صانعی که از قائلین به حرمت شبیه سازی محسوب می شدند، در فتوای دیگری با تأکید بر مشکلات این کار و مخالفت با آن شبیه سازی را در موارد نادر و ضرورت های شدید که نافع برای بشریت باشد، مجاز شمرده است.

سومین گروه از مراجع و علمای تشیع قائل به جواز محدود شبیه سازی انسانی می باشند.

گروه چهارم از مراجع و علمای شیعه که تعداد ایشان کم هم نیست، قائل به جواز مطلق شبیه سازی انسانی شده اند، به عقیده این گروه از علمای، نه تنها منع و حرمتی در خصوص شبیه سازی وجود ندارد؛ بلکه، شبیه سازی انسانی دارای منافع بسیاری نیز می باشد.

گروهی از مراجع محترم عظام در پاسخ به این استفتاء که «آیا شبیه سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روش های پیشرفته علمی (کلوناز) جایز است؟» به شرح ذیل مرقوم داشته اند:

* سید علی سیستانی: «فی حد ذاته مانعی ندارد.»

- * موسوی اردبیلی: «اگر چه شبیه سازی در مورد انسان تاکنون به مرحله عمل نرسیده است، ولیکن دلیل قوی و محکی بر حرمت چنین تحقیقات و آزمایشاتی وجود ندارد.» (مجموعه آراء فقهی - قضایی، 237)
- * فاضل لنکرانی: «فی نفسه مانعی ندارد، مگر اینکه محرز شود توالی فساد دارد.»
- * سید محمد صادق روحانی: «تبعاتی از قبیل احتمال ابتلاء کلون‌ها به بیماری‌های جسمی و روانی، به هم خوردن نظام طبیعی خانواده و حذف شدن پدر، جایگاه نامشخص نوزاد کلون شده در خانواده و کاهش تنوع ژنتیکی انسان‌ها در دراز مدت را موجب حرمت نمی داند» (اسلامی، 44)
- * سید محمد سعید حکیم بر این نظر است که: «شبیه سازی انسانی مباح است و دلیلی بر حرمت آن نیست در صورتی که با عمل حرام دیگری همراه نشود مجاز و مباح است.» (اسلامی، 11)

* دلایل مخالفت علمای اهل تسنن و برخی از علمای شیعه با شبیه سازی انسانی:

آن گروه از علمای مسلمان که با شبیه سازی انسان مخالف بوده و با اشکال و انحاء مختلف با این موضوع به مخالفت پرداخته اند، دلایل ذیل را در جهت بیان نظرات خود بیان نموده‌اند که پس از ذکر این دلایل، پاسخ کلی به آن داده خواهد شد، این دلایل عبارتند از:

1- نقض کرامت ذاتی انسان:

به عقیده این گروه از فقها، چنانچه تولد انسان از راه غیر طبیعی صورت پذیرد و پرورش جنین در رحم مادر صورت نگرفته و یا نحوه تولید مثل و شکل باروری به شیوه cloning صورت پذیرد:

(الف) تولد انسان دچار خدشه می‌شود.

(ب) کرامت انسان در حفظ و دست ناخوردگی ترکیب ژنتیکی است که از بین می‌رود.

(ج) انسان تبدیل به موش (موجودی) آزمایشگاهی می‌شود.

در پاسخ به ایرادات این فقها لازم است به مطالب ذیل بیش از پیش توجه گردد:

(1-1) نحوه زایش و تولد انسان با بسیاری از حیوانات و مخلوقات خداوند باریتعالی یکسان است و نمی‌توان تفاوتی در زایش طبیعی انسان و بسیاری از حیوانات قائل شد. از سوی دیگر این وحدت در تولد نوزاد در بین انسان‌ها و حیوانات نیز خللی در اشرف مخلوقات بودن انسان ایجاد نمی‌کند چه آنکه اگر اینگونه بود، بطور یقین، خداوند متعال نحوه دیگری برای تولد انسان در نظر می‌گرفت. اگر به مباحث مطروحه در علم منطق بنگریم در تعریف انسان بیان شده است: «الانسان حیوان ناطق»؛ لذا چه کرامتی در نحوه زایش انسان وجود دارد که سایر حیوانات فاقد آن هستند؟ با تأکید بر این مهم که خود انسان در زمره حیوانات قرار دارد که ناطق بودن وی، وجه تمایزی را بین انسان و سایر حیوانات ایجاد نموده است.

(1-2) اگر فرض کنیم تولد و زایش بر خلاف سنت معمول باعث نقض کرامت انسانی می‌شود؛ در پاسخ بیان عنوان نماییم که با این وصف، نحوه تولد حضرت عیسی (ع) که به امر خالق توانا صورت پذیرفته است بطور یقین مشکل ساز خواهد شد!



دهمین کنفرانس بین المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق

۳۱ و ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ - تهران

(1-3) برخی از زوجین بدلیل ناباروری و یا بیماری‌هایی که مانع بارداری آنان می‌شود از طریق لقاح بیرون(برون) رحمی (IVF) صاحب فرزند می‌شوند. این سؤال در این بحث مطرح است که آیا انسان‌های متولد شده از طریق لقاح برون رحمی دارای کرامت انسانی نیستند؟

استحضار دارید که کافه فقها جواز لقاح برون رحمی را در قالب فتوا بیان داشته و آنرا ناقض کرامت انسانی ندانسته‌اند در غیر این صورت باید لقاح برون رحمی نیز خلاف شرع و حرام باشد؛ زیرا سنت تولیدمثل طبیعی نقض گردیده است.

ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز عنوان می‌دارد: «هر کس می‌تواند بدون هیچ گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت و وضع اجتماعی، ثروت، ولادت، یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد.»

اگر علمای مخالف شبیه سازی، هر نوع دستکاری ژنتیکی را حرام دانسته و آنرا دخالت در کار پروردگار و یا ناقض کرامت انسانی می‌دانند؛ چرا دستکاری ژنتیکی درمانی را پذیرفته اند؟ و چرا این نوع تغییرات ژنتیکی را برای رنگ مو و چهره و... مجاز شمرده اند؟

از جمله این علما می‌توان به: «یوسف قرضاوی، وهبه الزحیلی و رأفت عثمان» اشاره نمود.

2- ایجاد انسانهای درجه دوم:

علمای مخالف شبیه سازی انسان بر این اعتقادند که با شبیه سازی انسان‌های درجه دوم بسیاری به وجود خواهند آمد که پس از آگاهی از این موضوع دچار بیماری‌ها و ولطمت روحی می‌گردند. آنان معتقدند از

این گروه از انسانهای درجه دوم، استفاده‌های ابزاری و جنسی بعمل خواهد آمد که در جای دیگری به آن می‌پردازیم.

در پاسخ به ایراد این گروه از علما باید ذکر شود، چه ملازمه منطقی بین تولد انسان از طریق شبیه سازی و تبدیل وی به انسان درجه دوم وجود دارد؟ آیا هر انسان متولد شده از این روش که هیچ تفاوتی با نمونه اصلی خود ندارد، درجه دوم خواهد بود؟ حتی اگر انسان شبیه سازی شده برای نجات جان نمونه اصلی خود متولد شده باشد و جان وی را از بیماری لاعلاج و یا صعب‌العلاج نجات دهد، به عنوان یک قهرمان مرکز توجه خواهد بود، نه یک انسان درجه دوم!

اساساً اثبات فرضیه انسان درجه دوم، امری غیرممکن بوده و شبیه سازی برای درمان بیماری لاعلاج به گونه‌ای که پیش‌تر هم ذکر شد نه تنها مفسده‌ای ندارد؛ بلکه دارای مصلحت نیز می‌باشد.

3- استفاده ابزاری از انسان‌ها:

از دیگر ایراداتی که به بحث شبیه سازی انسان وارد شده است، استفاده ابزاری از این انسان‌ها می‌باشد.

موافقین و معتقدین این بحث عقیده دارند به طرق ذیل از انسان‌های شبیه سازی شده استفاده ابزاری به عمل می‌آید:

1- استفاده جنسی ناسالم از انسان‌ها (بردگی جنسی)

2- استفاده از آنان به عنوان بانک اعضا

3- استفاده از آنان در کارهای سنگین و پستی که دیگر افراد حاضر به انجام آن نیستند(بردگی کاری)

ایراد وارد شده توسط مخالفین در این بحث، معقول و منطقی به نظر می‌رسد ولی ذکر این مهم، خالی از لطف نیست که آیا شبیه سازی انسان‌ها چنانچه توسط دولت و قانون کشورمان مجاز شمرده شود، آیا نیازمند قانون و بیان محدودیت‌ها و تخلفات

نیست؟ آیا پس از مجاز شدن این موضوع، افراد در آزمایشگاه‌های زیرزمینی می‌توانند به تولید و خلق انبوه این انسان‌ها دست یابند؟ در پاسخ لازم است ذکر شود چنانچه شبیه سازی انسانی مجاز شمرده شود:

اول آنکه) این گونه از شبیه سازی، صرفاً توسط افراد ذیصلاح انجام خواهد شد.

دوم آنکه) ممنوعیت خلق و تولید این گونه از انسان‌ها برای هر فردی در جامعه باید مدنظر قرار گرفته و تا درونی شدن این فرهنگ در جامعه، صرفاً در مواقع و مصادیق ضروری این عمل صورت پذیرد.

4- ودیعه بودن جسم انسان:

علما وفقهای قائل به این بحث، در رد شبیه سازی انسان عنوان می‌دارند که انسان مالک جسم خود نیست و جسم انسان متعلق به خدا بوده و اخلاقاً حق تصرف در ملک دیگری را نداریم.

در پاسخ به این ایراد نیز عنوان می‌داریم که مالک اصلی همه چیز خداست و با بحث شبیه سازی انسان و بیان مصلحت و ضرورت آن قصد از بین بردن این مالکیت را نداشته و نداریم؛ چه آنکه هیچ مخلوقی قادر به سلب مالکیت از پروردگار قادر و متعال نخواهد بود. از سوی دیگر انسان قابل تملک برای همنوع خود نیست و بحث برده‌داری و کنیزداری نیز منتفی است لذا آنچه از بحث شبیه سازی انسان مد نظر است نه سلب مالکیت انسان از خداوند متعال است و نه بحث ترویج عبد و کنیز و فرهنگ ضاله برده‌داری! هدف، مقصود و منظور حامیان شبیه سازی، ترویج مصالح این بحث علمی در جوامع جهانی و بهره جستن از این مصالح می‌باشد. لازم به ذکر است که انسان شبیه سازی شده باز هم مملوک خداست و همانند خلق طبیعی انسان‌ها از راه لقاح، وی نیز در زمره مخلوقات باریتعالی و تحت امر وی قرار دارد.

نکته دیگری که در صدد مردود انگاشتن آن می‌باشیم، عدم تصرف در جسم انسان است. بعبارتی دیگر چون حق تصرف در جسم خود را نداریم، لذا اجازه عمل جراحی، پیوند کلیه، کبد و... را نیز نخواهیم داشت و چنانچه عضوی از اعضای بدن انسان دچار سانحه و حادثه ای شد، بدلیل عدم اجازه در تصرف باید عضو را به همان شکل معیوب رها نماییم. این بحث را چنانچه عقلی هم دنبال کنیم؛ نظر قائلین به آن مردود خواهد بود چه برسد به بحث فقهی! اگر تن و جسم انسان در نزد او ودیعه و امانت است، در نتیجه برای اعمال جراحی باید ابتدا از خداوند اذن بگیریم؛ آیا شما این کار را کرده‌اید؟ با فرض ودیعه بودن جسم، شخص مستودع یا امین، مجاز است که تصرفات متعارفی را درباره مال به ودیعه گذاشته شده انجام دهد، مانند این که اگر کلیه این جسم از کار افتاد، عمل پیوند کلیه را انجام داده و یا اگر نیاز به عمل جراحی بود، در جهت تصرفات متعارف در مال، آن را انجام دهد و این نوع تصرفات شرعاً و عرفاً قابل قبول بوده و در جوامع مرسوم است در بحث شبیه سازی درمانی یا شبیه سازی انسان نیز تصرفاتی که در مال ودعی صورت می‌پذیرد، از نوع تصرفات متعارف است؛ زیرا موجود جدیدی بوجود نیامده که شباهت با مال ودعی نداشته و خصوصیات متفاوت و متضادی با وی داشته باشد. لذا این گونه از تصرف نیز برای انسان مجاز است، اگر مخالفان شبیه سازی انسان، این عمل را مغایر با تصرفات مجاز در اموال به ودیعه گذاشته شده می‌دانند، حداقل از باب فقهی به اثبات آن بپردازند.

نکته دیگر از باب فقهی، اشاره به این مهم است که انسان در بحث اعمال جراحی و تصرفات متعارف در جسم خود، دارای اذن از خداوند است، چه این اذن را شاهد حال فرض نمایید یا اذن فحوا؛ به هر حال چنانچه این اذن از انسان‌ها سلب شده بود، از طریق شارع مقدس، بر مخلوقات تشریح می‌گردید، همانگونه که انسان از انتحار و خودکشی منع شده و خودکشی بعنوان گناه کبیره بزرگی تشریح شده است. حال با اثبات این اذن برای انسان، وقت آن خواهد رسید که بیان نماییم: «اذن در شیء، اذن در لوازم آن شیء نیز می‌باشد.» لذا شبیه سازی انسان از جسم وی و یا لقاح برون رحمی از لوازم این ملک پروردگار (انسان) می‌باشد و مستند به قاعده مذکور هنگامی که اذن در شیء صادر شده به منزله اذن در لوازم آن خواهد بود.

5- نابودی جنین‌های ناخواسته:

جمله دلایل ادله مخالفان شبیه سازی، بحث جنین‌های غیر قابل استفاده، تخمک‌های مازاد و یا سلول‌های مازاد بر شبیه‌سازی است. این گروه عقیده دارند که از بین بردن جنین‌ها یا تخمک‌های مازاد، نوعی جرم و جنایت محسوب می‌گردد.

از دو دیدگاه به این موضوع می‌پردازیم:

اول) جنایت مردان در خواب(احتلام):

مکانیزم تولید اسپرم در مردان بدین‌گونه است که پس از تولید اسپرم و ذخیره سازی آن در بدن مردان و پس از گذشتن مدتی از این ذخیره سازی، از آنجایی که تولید اسپرم‌های جدید در بدن متوقف نمی‌شود سیستم بدن مردان اسپرم‌های ناقص، معیوب و ضعیف را از بدن دفع نموده و مردان یا در خواب «جنب» (محتلم) می‌شوند و یا حتی از طریق ادرار، این اسپرم‌های معیوب دفع می‌گردد.

آیا این نابودی ناخواسته و دفع اسپرم‌های مازاد از بدن انسان، گناه، جرم و یا جنایت محسوب می‌شود؟

بدن انسان برای تولید مثل طبیعی، اسپرم‌های جدید و قوی را نگهداری و اسپرم‌های معیوب را نیز دفع می‌نماید.

دوم) در لقاح برون رحمی:

برای لقاح برون رحمی نیز برای اطمینان از نتیجه کار، به جای یک تخمک، گاهاً تا چهل تخمک بارور می‌شود و از میان آنها سه تا پنج تخمک در رحم کاشته شده و نگهداری می‌شوند تا نتیجه کار معلوم شود؛ اگر بارداری موفق بود و تخمک‌ها به حیات طبیعی خود در رحم ادامه دادند، آنگاه از میان این تخمک‌ها، تنها یکی انتخاب و بقیه نابود می‌گردند و اگر هم این تخمک‌ها در رحم قادر به ادامه حیات نبودند، در آن صورت از دیگر تخمک‌های بارور باقی مانده استفاده شده و عمل مذکور تکرار می‌گردد.

آیا نابود نمودن این تخمک‌های مازاد که حتی به نطفه جنینی هم تبدیل گردیده‌اند و یا حتی معیوب می‌باشند، گناه و جرم است؟

این دسته از علما، خود به ایراد وارد شده پاسخ داده و در استفتاءهای مختلفی که از ایشان صورت گرفته و می‌گیرد و همچنین در ششمین سمینار فقهی پزشکی وابسته به سازمان اسلامی علوم پزشکی تصویب نموده‌اند که: «تخمک‌های بارور شده [اضافی] هنگامی که درون رحم کاشته نشده‌اند، هیچ نوع شخصیت انسانی ندارند و احترام به جنین مشروط به استقرار نطفه در رحم می‌باشد.» همچنین در توصیه نامه ششمین سمینار فقهی پزشکی، وابسته به سازمان اسلامی علوم پزشکی صراحتاً آمده است: «نخست باید کوشش شود که تخمک‌های اضافی بارور نشوند و به همان مقدار مورد نیاز بسنده شود. با این حال، اگر تخمک‌های اضافی بارور شد، به نظر اکثریت اعضای سمینار: «تخمک‌های بارور شده اضافی، پیش از غرس در رحم هیچ نوع حرمت و احترامی ندارند، از این رو، به هر وسیله‌ای می‌توان آنها را نابود ساخت.» (العوضی، 647)

با این وصف سلول‌های اخذ شده از زن یا مرد جهت شبیه سازی انسان نیز در همین حکم وارد شده و از آنجایی که این سلول‌ها نیز از تبدیل به انسان، شخصیت انسانی ندارند؛ فلذا نابود نمودن سلول‌های مازاد به هر وسیله ای امکانپذیر بوده و حرمتی ندارد.

6- ابهام در روابط خویشاوندی، نبود پدر و مادر در موارد خاص و ابهام در نفقه و ارث:

از دیگر ایرادات مطروحه در بحث شبیه سازی انسان آنست که برخی از علما عقیده دارند؛ چنانچه انسان شبیه سازی شده از زن حاصل گردد، زوج (مرد) پدر او نخواهد بود و چنانچه از مرد خلقت یابد، همسر (زوجه) مادر این فرد شبیه سازی شده نیست.

برای پاسخ به این ایراد، شکل های ذیل مورد بحث قرار می گیرد:

الف) زن مجرد است و انسان شبیه سازی شده از وی به وجود آمده است.

از مرجع گرانقدر امامیه، مرحوم آیت الله بهجت استفتاء گردید که چنانچه دختر باکره ای از طریق شبیه سازی خود را بارور سازد، «آیا فرزند به دنیا آمده نسخه بدل اوست یا همسانش یا دخترش؟» ایشان در پاسخ مرقوم نمودند: «مانعی ندارد و به ولد اشبه است.»

مرحوم آیت الله موسوی اردبیلی نیز در پاسخ به این استفتاء مرقوم داشته اند: «به خاطر اینکه در رحم او رشد یافته و متولد شده دختر او حساب می شود.»

لذا در این که این انسان شبیه سازی شده، فرزند آن دختر محسوب می گردد شکی نیست. حال اگر این دختر، با داشتن فرزند، ازدواج نماید؛ بین فرزند وی و شوهرش، محرمیت و حرمت مصاهری ایجاد خواهد شد، پس بحث محرمیت نیز صراحتاً مشخص است.

سید محمد صدر نیز بر این نظر است که اگر زنی جنینی را، نه از راه حرام در رحم خود بپرورد، چه تخمک از او باشد و چه تخمک متعلق به دیگری باشد، مادر او به شمار خواهد رفت (صدر، 31). ایشان همچنین فتوا می دهد که اگر صاحب تخمک مجهول باشد، یعنی آن را از بانک ویژه این کار گرفته باشیم و در رحم زنی پرورش دهیم، صاحب رحم مادر او خواهد بود (صدر، 39).

ب) انسان شبیه سازی شده از سلول های مرد مجرد خلقت یابد:

در این بحث نیز انسان متولد شده هر چند در آزمایشگاه رشد و تولد خواهد یافت ولی در قیاس با رحم اجاره ای، این مولود نیز فرزند مرد مجرد محسوب شده و پس از ازدواج وی، حرمت مصاهری بین فرزند و زوجه پدید می آید.

پ) انسان شبیه سازی شده از سلول های زن یا مرد متأهل در زندگی مشترک تولید می گردد:

در این فرض زن و شوهر دارای زندگی مشترک بوده و اصطلاحاً در فراش یکدیگر قرار دارند. از نظر شرعی، برای تحقق ابوت، لازم نیست که احراز شود فرزند حتماً از «نطفه مرد» است. آنچه شرعاً موجب الحاق فرزند به پدر می شود، با استناد به حدیث نقل شده از پیامبر (ص) فراش است.

مطابق با این حدیث، «الولد للفراش» و با این سند، باید فرزند را به زوجین ملحق نماییم چون در هر صورت فرزند شبیه سازی شده در فراش زوجین متولد شده است، نتیجه این که زوج، پدر فرزند و زوجه، مادر فرزند مذکور خواهد بود و با الحاق چنین فرزندی به والدین خود، مستند به قاعده فراش، به طور طبیعی، وجود برادر، خواهر و همه خویشان مادری و پدری وی ثابت خواهد شد و نتیجه نهایی آن که با اثبات این موضوع، تکلیف نفقه و همچنین ارث بری او از والدین و بالعکس صراحتاً مشخص بوده و محل نزاع و ابهام نخواهد داشت.

از بیان جمیع مطالب یاد شده، این نتیجه حاصل خواهد شد که شبیه سازی انسان (کلونینگ)، دارای مصالح بی شماری بوده و در عین حال، مفسده‌هایی نیز برای آن متصور است؛ لیکن در مقایسه محاسن با معایب آن، می‌توان ادعا نمود که کفه ترازو به سمت محاسن کلونینگ سنگین تر بوده و به نظر می‌رسد حکم بر اباحه آن دارای وجه رجحان است.

در تهدیدهای بحث شبیه سازی انسان، برده داری جنسی، ایجاد سپرهای انسانی در جنگ‌ها و نزاع‌ها و حتی عود احتمالی برده داری و کنیزداری، محتمل است؛ اما فرصت‌هایی که از طریق این موضوع برای انسان ایجاد می‌شود غیرقابل انکار بوده و مرگ اشخاص به دلیل بیماری‌های صعب‌العلاج و یا لاعلاج، کاهش چشمگیری خواهد داشت و حتی خوشبینانه از بین خواهد رفت و از این طریق دستیابی انسان به بخش دیگری از قدرت خداوند باریتعالی ممکن خواهد شد.

در صورت حکم بر جواز کلونینگ، ضروری است که قانونگذار نسبت به تدوین و تصویب قوانین مربوطه اقدام عاجل نموده و از جنبه حقوقی و احوال شخصیه، همچنین در امور مربوط به نفقه و ارث انسان شبیه سازی شده و نسب وی، وضع قانون نماید و از سوی دیگر در امور کیفری نیز، مبادرت به وضع قوانینی نماید که شبیه سازی از مجاری غیرقانونی جرم انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شود. همچنین در بخش قصاص، دیات و تعزیرات نیز وضع قانون موضوعه صورت پذیرد تا از ارتکاب هر جرمی علیه انسان شبیه سازی شده جلوگیری شود.

در پایان تأکید مؤکد می‌گردد در صورتی که فقه پویای شیعه نسبت به احکام فقهی شبیه سازی انسان سکوت نماید؛ این سکوت مانع از ممنوعیت کلونینگ در جهان نخواهد بود و کشورهای غیر اسلامی هیچ تبعیتی از ممنوعیت‌های احتمالی فقهی در کشورهای اسلامی نخواهند کرد، لذا لازم است نسبت به پیش‌بینی موضوع و وضع احکام و قوانین کمر همت بسته شود.

منابع

اسلامی اردکانی، سیدحسن، 1401، شبیه سازی انسانی از دیدگاه آیین کاتولیک و اسلام، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.

صدر، سید محمد، 1419ق، فقه الموضوعات الحدیثه، بیروت، دار الاضواء.

قربانی، علی اصغر؛ عباسی، محمود؛ خوش سلوک، مهران؛ مهاجرپور، سید امیرمحمد، 1394، شبیه سازی از منظر اخلاق، ادیان، فقه و حقوق، تهران، انتشارات مرکز تحقیقات پزشکی قانونی.

قراضوی، یوسف، ترجمه: سعیدیانی، نورالدین، 1382، شبیه سازی، مجله دین پژوهان.

مجموعه آرای فقهی - قضایی در امور حقوقی، 1381، تهران، مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، مرکز تحقیقات فقهی.

محمدی، علی، 1398، شبیه سازی انسان؛ ملاحظات علمی، اخلاقی، حقوقی، چاپ دوم، مرکز ملی مهندسی ژنتیک، انتشارات معارف

نوری، رسول، 1401، بررسی فقهی مسأله شبیه سازی انسان، تهران، میراث شرق.

قانون حمایت از خانواده مصوب 1353/11/15

قانون حمایت خانواده مصوب سال 1391

قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392

قانون مجازات و تعزیرات بازدارنده مصوب سال 1375

قانون مدنی

قرآن کریم، سوره مبارکه بقره، آیه شریفه 275.

قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه شریفه 32.

قرآن کریم، سوره مبارکه واقعه، آیات شریفه 63 و 64

اسلامی، سید حسن، شبیه سازی انسانی از دیدگاه شیعه؛ بررسی چهار دیدگاه، ماهنامه فقه، سال دوازدهم، شماره 44.

پور قهرمانی، بابک، فصلنامه رواق اندیشه، شماره 37.

خرمی، جواد، شبیه سازی انسان، پیامدها و عکس العملها، مجله مبلغان، شماره 51.

صادقی، محمود، بررسی فقهی و حقوقی همانند سازی انسان، خلاصه مقالات اولین کنگره پزشکی قانونی کشورهای اسلامی.

بیمها و امیدها، آموزش معارف اسلامی، شماره 49.

هفته نامه «المسلون»، 1417ق، شماره 633، پنجم ذی القعدة 1417هجری قمری.